

## تاثیر اعتبارات بانکی بر اشتغال زنان مطالعه‌ی موردی: تعاونی‌های زنان در استان مازندران

زهرا کریمی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۵/۱۵

### چکیده

از دهه‌ی ۱۹۸۰ اعطای تسهیلات به عنوان یکی از مهمترین ساز و کارهای ایجاد شغل، به ویژه برای زنان، مورد تاکید قرار گرفته است. برخی مطالعات تجربی نشان داده‌اند که عدم دسترسی به اعتبار، محدودیتی عمده برای بسیاری از کارآفرینان به شمار می‌رود. بسیاری از کارشناسان معتقدند دسترسی به اعتبارات زنان را توانمند می‌سازد، به اشتغال و استقلال اقتصادی آنان یاری می‌رساند و نقش آنان را در تصمیم‌گیری‌ها در سطح خانواده و جامعه ارتقاء می‌بخشد. با این حال، برخی از محققان نیز معتقدند بخش قابل توجهی از زنان علی‌رغم دسترسی به منابع مالی، کنترلی بر نحوه‌ی استفاده از وام ندارند. تامین اعتبارات ارزان برای سرمایه‌گذاران از سوی دولت یکی از مهم‌ترین ابزارهای ایجاد اشتغال در ایران بوده و یکی از اشکال مشخص این سیاست، تسهیل اعطای وام با نرخ‌های سود پائین به شرکت‌های تعاونی است. در این مقاله با استفاده از آمارهای رسمی و مصاحبه‌های مستقیم با مدیران تعاونی‌های زنان در استان مازندران نشان داده شده است که

<sup>۱</sup>. استادیار، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، گروه اقتصاد، دانشگاه مازندران؛ zakarimi@umz.ac.ir

بسیاری از زنان دریافت‌کننده وام فعالیت اقتصادی جدیدی را آغاز نکرده‌اند و به همین جهت اعطای وام ارزان به شرکت‌های تعاونی در ایجاد اشتغال موفقیت چندانی نداشته است.

**واژگان کلیدی:** اعتبارات بانکی، تعاونی‌های زنان، اشتغال زنان، استان مازندران.

طبقه‌بندی JEL: E24, H81, J16

## ۱. مقدمه

از سال‌های دهه‌ی ۱۹۸۰ تا کنون اعطای اعتبار به زنان وعده‌های بسیاری را برای تحول در وضعیت اجتماعی و اقتصادی آنان را در برداشته است. ابتدا به نظر می‌رسید که تسهیلات اعطایی به زنان اشتغال آنان را افزایش دهد و در پی آن بتوانند موقعیت آن‌ها را در خانه و اجتماع بهبود بخشند. بسیاری از مطالعات جدید اثر بخشی این گونه سیاست‌ها را مورد تردید قرار داده‌اند. این مقاله به بررسی اثرات اعطای وام در ایجاد فرصت‌های شغلی برای زنان از طریق تعاونی‌های زنان می‌پردازد. اعطای اعتبار به بخش تعاون توسط بانکهای دولتی ایران انجام می‌شود، این ساز و کار شبیه سیاست اعطای وام جهت ارتقاء سطح اشتغال و درآمدزایی برای زنان است که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به اجرا گذاشته شده است.

در این تحقیق، با استفاده از اطلاعات و داده‌های آماری رسمی و مصاحبه‌های مستقیم، عملکرد تعاونی‌های زنان استان مازندران طی سال‌های ۸۷-۱۳۷۰ مورد بررسی قرار گرفته تا مشخص شود که سیاست‌های اعتباری در اشتغال‌زایی تعاونی‌های زنان چه تاثیری داشته است.

دولت ایران در اعطای وام، برای تعاونی‌های زنان اولویت خاصی قائل بوده و روند اخذ وام را برای این تعاونی‌ها تسهیل کرده است. با این حال، حمایت‌های دولتی عموماً به شکل گیری تعاونی‌های موفق منجر نشده است. در واقع با اعمال این سیاست، بخشی از بودجه‌ی عمومی به کانال‌هایی ریخته شده که مشاغل پایدار ایجاد نکرده است. تجربه‌ی تعاونی‌های زنان استان مازندران نشان می‌دهد که موقعیت زنان در بازار کار متأثر از مجموعه‌ی درهم تنیده‌ای از عوامل اجتماعی، فرهنگی، حقوقی، اقتصادی است و اعطای اعتبارات نتوانسته تغییرچندانی در موانع اشتغال زنان بوجود آورد.

این مقاله از ۶ بخش تشکیل شده است. بخش ۲ به بررسی ادبیات مربوط به نقش شرکت‌های تعاونی در اقتصاد و اثرات سیاست‌های اعتباری بر اشتغال زنان می‌پردازد. بخش ۳ به عملکرد بازار کار ایران اختصاص دارد در این بخش وضعیت عرضه و تقاضای نیروی کار و تحولات بیکاری در سال‌های پس از انقلاب برای مردان و زنان به تفکیک بررسی می‌شود. بخش ۴ تصویری از بخش تعاونی در ایران ترسیم می‌کند. بخش ۵ به ارائه ی نتایج حاصل از تحقیق میدانی در تعاونی‌های زنان استان مازندران می‌پردازد و بخش آخر نیز مطالب مطروحه در کل مقاله را جمع‌بندی می‌کند.

## ۲. حمایت دولت از اشتغال زنان

تعاونی، نهادی است که بر اساس فعالیتهای داوطلبانه گروهی از عوامل اقتصادی و در پاسخ به نیازهای اقتصادی و اجتماعی خاصی شکل می‌گیرد و ویژگی اصلی آن مالکیت جمعی و کنترل و نظارت دموکراتیک است. از نقطه نظر تاریخی، تعاونی‌ها به منظور کاهش مشکلات کارگران و ایجاد شغل در اقتصادهای صنعتی تشکیل شده‌اند (بیرچال<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷). تعاونی‌های کشورهای در حال توسعه، برخلاف کشورهای صنعتی، عموماً از حمایت‌های دولتی برخوردار گردیده‌اند. در برخی از کشورهای در حال توسعه، تعاونی‌ها به عنوان عاملی جهت ایجاد اشتغال برای زنان مورد حمایت دولت قرار گرفته‌اند. در برخی موارد همچون هند، حمایت‌های دولتی از طریق کنترل مستقیم سازمان‌های غیردولتی، در تحرک و پویایی تعاونی‌ها موفق عمل کرده و به افزایش اشتغال زنان منجر شده است.

اعطای اعتبارات بعنوان یکی از مهمترین ساز و کارهای کاهش فقر و ایجاد اشتغال بویژه برای زنان مورد تاکید بسیاری از کارشناسان و نهادهای بین المللی است. مطالعات تجربی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه مانند فلیپین، بنگلادش، ترینیداد و توباگو نشان داده‌اند که عدم دسترسی به اعتبارات یکی از محدودیت‌های مهم کارآفرینان بخصوص در هنگام راه اندازی بنگاه‌های اقتصادی است. این مطالعات همچنین تاکید می‌کند که این مشکل برای زنان در مقایسه با مردان شدیدتر است (بووینیک، برگر، و جرمیلو<sup>۲</sup>، ۱۹۸۹؛ شولر و هاشمی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۴).

<sup>1</sup> Birchall

<sup>2</sup> Buvinic, Berger and Jaramillo

<sup>3</sup> Schuler and Hashemi

مک نلی و واتتیپ (۱۹۹۳) معتقدند که تسهیلات بانکی می‌تواند توانمندی زنان و اعتماد به نفس آنان را در ایجاد ارتباط و همکاری با دیگران افزایش می‌دهد. آن‌ها نشان می‌دهند که هر چند اعطای اعتبار به زنان پاسخگوی همه مشکلاتی نیست که فقر مادی و فرهنگی در کشورهای در حال توسعه بوجود می‌آورد، اما تاثیر مثبتی بر سلامت خانواده و تغذیه دارد و می‌تواند بر کیفیت زندگی زنان کم‌درآمد تاثیر گذارد. شولر و هاشمی (۱۹۹۴) بر این نکته تاکید می‌کنند که تغییر و بهبود امنیت اقتصادی زنان، آگاهی سیاسی و حقوقی و افزایش مشارکت اجتماعی نتایج هستند که از طریق اعطای وام به زنان حاصل می‌شود. بنابراین، آنها بر این باورند که اعتبارات ابزاری برای توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی زنان است. نتایج حاصل از مطالعات سبستاد و چن<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) گوئتر و سن گوپتا (۱۹۹۶) نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ درصد از وام‌هایی که زنان اخذ کرده‌اند، در واقع توسط خویشاوندان مرد کنترل و مصرف شده در حالی که زنان خود مسئولیت رسمی بازپرداخت آن را بر عهده داشته‌اند.

مطالعه ۱۵۱ مورد از وام‌های پرداخت شده به زنان توسط بانک گرامین نشانگر آن است که ۱۲ درصد کل وام‌ها به مردان عضو خانواده تسلیم شده است و اکثر وام‌گیرندگان زن حتی بر درآمد ایجاد شده از فعالیت‌های خود نیز کنترلی ندارند (تاد، ۱۹۹۶). از برخی از یافته‌ها چنین بر می‌آید که طرح‌های اعتباراتی عمدتاً به نفع زنانی است که در وضعیت نسبتاً خوبی به سر می‌برند (کریوی، ندور و تیام<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵؛ هلم و موسلی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶).

آرمن داریز، مورداک و مورداک<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) معتقدند که تاثیر اعتبارات بر توانمندسازی زنان همچنان موضوع بحث‌انگیزی است. آنان تاکید دارند که اعتبارات نه نوشداروی حل تمام مشکلات است و نه گلوله‌ای جادویی برای رفع تمامی موانع توانمندسازی زنان. اعتبارات به خودی خود نمی‌تواند بر سیستم مردسالاری در خانه و جامعه غلبه نماید.

گوپتا (۲۰۱۱) معتقد است که حمایت‌های دولت برای ارتقاء توان کارآفرینی زنان کافی نیست. زنان برای آغاز فعالیت‌های اقتصادی با مشکلاتی مواجه هستند که در ارزش‌ها و باورهای فرهنگی - اجتماعی ریشه دارد و در فضای حقوقی جوامع انعکاس

<sup>1</sup> Sebstad and Chen

<sup>2</sup> Creevey, Ndour and Thiam

<sup>3</sup> Hulme and Mosley

<sup>4</sup> Armendariz and Morduch

یافته است. باورهای اجتماعی زنان را از مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی باز می‌دارد. فقدان گرایش زنان به کارآفرینی ناشی از قدرت باورهای اجتماعی در مورد نقش زنان در جامعه و خانواده است.

بسیاری از محققان ایرانی موانع دسترسی زنان به اعتبار و اثرات این اعتبارات بر اشتغال زنان را مورد کند و کاو قرار داده اند. برخی بر این باورند که هرچند تبعیض جنسیتی علیه زنان در قوانین و مقررات بانکی ایران وجود ندارد، با این حال زنان ایرانی، به دلیل محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی، در مقایسه با مردان دسترسی محدودتری به اعتبارات بانکی دارند (غلامی، ۱۳۸۰، ذاکری و خلیلی، ۱۳۸۲). مطالعات دیگری حاکی از آن است که اکثر وام‌هایی که به عنوان آغاز فعالیت‌های اقتصادی توسط زنان دریافت می‌گردد، در عمل برای خرید یا اجاره مسکن، خرید لوازم خانگی و یا تهیه جهاز برای دختران هزینه می‌شود (دیپیم و وهابی، ۱۳۸۲).

نتایج حاصل از مطالعه‌ی یعقوبی (۱۳۸۵) نشان داده است که سیاست اشتغال‌زایی از طریق اعطای وام در مناطق روستایی استان زنجان موفقیت‌آمیز نبوده و بانک‌ها نظارت مؤثری بر نحوه‌ی استفاده از وام نداشته‌اند. اگرچه، تاثیر اعطای وام در ایجاد فرصت‌های شغلی برای زنان همچنان بحث برانگیز باقی مانده است، اما یک باور مشترک وجود دارد که حمایت‌های مالی دولت باید با فعالیت‌های دیگری از قبیل تغییرات حقوقی و نهادی در خصوص جایگاه زنان در خانواده و جامعه همراه گردد. عملکرد تعاونی‌های زنان استان مازندران نشانگر آن است که عوامل فرهنگی و اجتماعی مانعی بر سر راه اجرای موفقیت‌آمیز سیاست اعطای وام به تعاونی‌های زنان برای تسهیل و تسریع اشتغال آنان است. ولی پیش از بررسی عملکرد بخش تعاون، مروری کوتاه از وضعیت بازار کار ایران به درک بهتر علل اجرای سیاست حمایت از تاسیس تعاونی‌های زنان یاری می‌رساند.

### ۳. عملکرد بازار کار ایران

در طول سال‌های ۵۶-۱۳۴۵ ایران با نرخ رشد متوسط سالانه بیش از ۱۰ درصد، دارای یکی از سریع‌ترین آهنگ‌های رشد اقتصادی در جهان بود، ولی این نرخ رشد بالا عمدتاً با تکیه بر درآمدهای حاصله از صادرات نفتی تأمین مالی می‌شد. بحران‌های ناگزیر دوران انقلاب و آثار مخرب جنگ تحمیلی این روند مثبت را تغییر داد. متوسط رشد تولید ناخالص ملی در فاصله‌ی سال‌های ۶۷-۱۳۵۷ به حدود سالانه منفی ۲ درصد

تنزل یافت. در سال ۱۳۶۵، در اوج جنگ و کاهش شدید قیمت نفت نرخ بیکاری به ۱۴,۲ درصد رسید؛ ولی نرخ بیکاری در میان زنان بسیار (۲۵,۵ درصد) بسیار بالاتر از مردان بود. پس از جنگ، با شروع برنامه‌های بازسازی اقتصادی، تولید و اشتغال افزایش یافت و نرخ بیکاری در سال ۱۳۷۵ برای کل جمعیت فعال به ۹,۱ درصد و برای زنان به ۱۳,۴ درصد کاهش یافت.

همانطور که جدول ۱ نشان می‌دهد در طول سال‌های ۹۰-۱۳۵۵ نرخ بیکاری در میان زنان همواره بسیار بالاتر از مردان بوده است؛ به همین جهت زنان تلاش کرده‌اند که با افزایش سطح تحصیلات خود، احتمال پیدا کردن فرصت‌های شغلی را بالا ببرند؛ به نحوی که سهم زنان در میان دانشجویان از ۳۸ درصد در سال ۱۳۷۵ به بیش از ۵۰ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. با این حال، پیدا کردن کار برای زنان تحصیل کرده همچنان دشوار است. هرچند در سال ۱۳۹۰ نرخ بیکاری زنان، در مقایسه با سال ۱۳۸۵ کاهش یافته ولی علت اصلی کم شدن نرخ بیکاری زنان، کاهش نرخ مشارکت زنان در بازار کار بوده است و اشتغال زنان رشدی نداشته است. نرخ مشارکت زنان از ۱۶,۴ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۱۲,۳ درصد در سال ۱۳۹۰ تنزل پیدا کرده است. این کاهش برای زنان دارای تحصیلات عالی بسیار شدیدتر بوده است.

جدول ۱. تحولات نرخ بیکاری (۹۰-۱۳۵۵)

۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	
<b>کل نیروی کار</b>					
۱۲,۳	۱۲,۷۵	۹,۱	۱۴,۲	۱۰,۲	مرد و زن
۱۰,۵	۱۰,۸	۸,۵	۱۲,۹	۹,۱	مرد
۲۰,۹	۲۳,۳۵	۱۳,۳	۲۵,۴	۱۶,۴	زن
<b>نیروی کار دارای تحصیلات دانشگاهی</b>					
۱۷,۶	۲۱,۸	۳,۹	۵,۹	۴,۳	مرد و زن
۱۳,۱	۱۲,۳	۳,۷	۵,۸	۴,۴	مرد
۳۰,۳	۵۰,۱	۴,۷	۶,۲	۳	زن

ماخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴.

با وجود پائین بودن نرخ مشارکت زنان، در حال حاضر چالش اصلی برای جامعه ایران بیکاری است. در سال ۱۳۸۹، نرخ بیکاری (۱۴,۶ درصد) نزدیک به نرخ بیکاری در

سال ۱۳۶۵ (در دوران جنگ ایران و عراق) است که نشانگر ناتوانی اقتصاد ایران در ایجاد فرصت‌های شغلی، به رغم افزایش شدید درآمد نفت در طول سال‌های دهه‌ی ۱۳۸۰ بوده است.

بخش دولتی همواره بزرگترین مرجع جذب متخصصان دارای تحصیلات عالی بوده است. شرایط کار بخش دولتی از جمله دستمزد بالا، امنیت شغلی، ۳۰ روز مرخصی سالانه با حقوق کامل، شش ماه مرخصی زایمان و تضمین برای بازگشت به کار، دلایلی است که زنان را به جستجوی کار در این بخش علاقمند کرده است. ولی استخدام در بخش دولتی در حال محدود شدن است. با اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی از برنامه‌ی اول توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۲-۱۳۶۸) تعدیل نیروی انسانی بخش عمومی و واگذاری موسسات دولتی به بخش خصوصی در اولویت قرار گرفته است. از این رو شرکت‌های دولتی دیگر منبع مهم اشتغال نمی‌شود. طی سال‌های ۸۹-۱۳۸۵ شمار نیروی کار شاغل در بخش عمومی از ۵ به ۳٫۵ میلیون نفر کاهش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱). در بخش خصوصی نیز فرصت‌های شغلی برای زنان محدود است و بسیاری از مشاغل ماهیتاً مردانه به حساب می‌آیند. در مواجهه با افزایش حضور زنان در بازار کار و در پی آن بالا رفتن سریع بیکاری در میان زنان تحصیل کرده، دولت جهت افزایش فرصت‌های شغلی برای زنان، اعطای اعتبار به تعاونی‌های زنان را در اولویت قرار داد.

#### ۴. بخش تعاونی در ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بنا به خواست اکثریت مردم ایران تامین عدالت اجتماعی اولویت یافت. در این راستا برای جلوگیری از تکاثر ثروت در دست بخش خصوصی، بر اساس ماده ۴۴ قانون اساسی اسلامی، بخش تعاون به عنوان دومین بخش مهم اقتصادی کشور (بعد از بخش دولتی) مورد تاکید واقع شد و بخش خصوصی در رده سوم قرار گرفت. به نظر می‌رسید که گسترش بخش تعاون راه سومی بین سرمایه‌داری و سوسیالیزم باشد. انتظار می‌رفت که بخش تعاون از یک سو کار گروهی را سامان دهد، احساس مسئولیت را افزایش و نابرابری‌های درآمدی را کاهش دهد و در عین حال مردم را تشویق کند تا پس اندازه‌های کوچک را روی هم گذاشته و در جهت تسریع رشد اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی با همکاری یکدیگر تلاش کنند. بعد از پایان جنگ

ایران و عراق و در دوران بازسازی اقتصادی، بخش تعاون اولویت ویژه‌ای کسب کرد. در سال ۱۳۷۲ وزارت تعاون جهت اجرا و ارتقای سیاست‌های نهضت تعاون تشکیل شد. مهمترین سیاست این وزارتخانه تسهیل فرایند دریافت وام از بانک‌های دولتی برای تعاونی‌های تازه تاسیس بود. با جهش قیمت نفت در طول سال‌های ۸۶-۱۳۸۰، وام‌های پرداختی به تعاونی‌ها به شدت افزایش یافت. انتظار می‌رفت که در طول برنامه‌ی چهارم توسعه (۸۸-۱۳۸۴) این بخش حدود ۱/۴ میلیون فرصت شغلی ایجاد کند (وزارت تعاون، ۱۳۸۴).

از سال ۱۳۷۶ اعطای وام به تعاونی‌های زنان در اولویت قرار گرفت. بدین معنی که بانک‌های دولتی موظف شدند که بدون تاکید بر پیش شرط تامین سهم معینی از سرمایه توسط مؤسسين، به تعاونی‌های زنان وام بدهند. به عبارت دیگر، بانک‌ها مجبور بودند تمام نیازهای سرمایه‌ای این تعاونی‌ها را تامین نمایند. در حالی که نرخ بهره برای بخش تعاونی و شرکت‌های خصوصی مشابه است، تعاونی‌ها در مقایسه با شرکت‌های خصوصی کوچک و متوسط شرایط مساعدتری برای دستیابی به اعتبارات بانکی دارند. در حالی که برای شرکت‌های خصوصی کوچک دریافت اعتبارات بانکی عموماً دشوار است؛ آن‌ها برای دریافت وام باید وثیقه ارزشمند و طرح توجیهی اقتصادی ارائه کنند. در موارد خاص هنگامی که تعاونی‌ها بتوانند ثابت کنند که اشتغال قابل توجهی را برای زنان فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها فراهم می‌آورند، می‌توانند وام‌های با بهره پایین نیز دریافت کنند.<sup>۱</sup>

در طول سال‌های ۸۶-۱۳۷۶ بیش از ۹۰ درصد تعاونی‌ها وام دریافت کردند (وزارت تعاون ایران ۱۳۸۷). در بسیاری موارد شرکت‌های خصوصی برای دسترسی به وام بطور صوری به تعاونی تغییر نام دادند، در صورتی که ماهیت تعاونی (سرمایه برابر اعضا و مدیریت و کنترل دموکراتیک بر عملکرد بنگاه) نداشتند. محدودیت میزان کل اعتبارات تخصیص یافته برای تعاونی‌ها در استان‌های مختلف، کسانی که با نهادهای تصمیم‌گیرنده و توزیع‌کننده اعتبارات ارتباط نزدیک داشتند از اولویت ویژه برخوردار شدند، در حالی که بسیاری دیگر از متقاضیان تاسیس تعاونی به اعتبارات سخاوتمندانه دسترسی پیدا نکردند.

<sup>۱</sup> مصاحبه با مدیر اداره تعاون بابلسر



به هنگام افزایش میزان اعتبارات تخصیص یافته برای تعاونی‌ها، تعداد تعاونی‌های تازه تأسیس به سرعت افزایش یافت و زمانی که اعتبار کاهش پیدا کرد، از شمار تعاونی‌های تازه تأسیس کاسته شد. به طور مثال در سال‌های ۸۷-۱۳۸۶ در پی افزایش تورم و اعمال سیاست‌های انقباضی از سوی بانک مرکزی ایران، اعتبارات بانکی برای تعاونی‌ها به شدت کاهش یافت و تعداد تعاونی‌های تازه تأسیس بیش از ۳۰ درصد کاهش یافت. در تابستان ۱۳۸۸، تعاونی‌های تازه تأسیس جمعاً مبلغی معادل ۱۵۰ میلیارد ریال وام درخواست کردند که مورد موافقت بانک‌های دولتی قرار نگرفت<sup>۱</sup>. با باز میان رفتن امکان دریافت وام، تمایل به به ثبت تعاونی‌های جدید نیز به نحو قابل توجهی کاهش یافت.

با وجود حمایت دولت از تعاونی‌ها در سه دهه گذشته، سهم بخش تعاون در تولید ناخالص ملی ۰٫۵ تا ۰٫۶ درصد است. تعداد زیادی تعاونی همه ساله به ثبت می‌رسند و مدعی هستند که شمار قابل توجهی فرصت شغلی ایجاد می‌کنند؛ ولی بخش بزرگی از این تعاونی‌ها عملاً فعالیتی ندارند. به طور مثال در سال ۱۳۸۲، ۳۴٫۶ درصد کل تعاونی‌ها غیر فعال بوده‌اند؛ این نسبت در سال ۱۳۹۲ به ۴۸٫۲ درصد رسیده است (جدول ۲). فعال یا غیرفعال بودن تعاونی‌ها از سوی بازرسان با بازدید مستقیم و تماس تلفنی تأیید می‌شود. زمانی که تعاونی به تماس تلفنی پاسخ دهد یا در بازرسی مستقیم مجهز بودن کارگاه و اشتغال نیروی کار در تعاونی مسلم گردد، تعاونی فعال محسوب می‌شود. با توجه به تعداد کم بازرسان، مشخص نیست که دقیقاً چه درصدی از تعاونی‌ها فعال هستند.

همانطور که جدول ۲ نشان می‌دهد بر اساس آمار منتشره از سوی وزارت تعاون، در فعالیت‌های صنعتی، معدنی و قالی بافی در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۹۲ بیش از ۴۰ درصد از تعاونی‌ها غیرفعال بوده‌اند. در طول سال‌های ۹۲-۱۳۸۲ سهم تعاونی‌های غیر فعال در عرصه‌های مختلف، غیر از فعالیت‌های ساختمانی، به شدت افزایش یافته است. بسیاری از تعاونی‌ها به رغم دریافت وام هیچگاه شروع به کار نمی‌کنند؛ برخی نیز پس از مدتی کار را متوقف می‌نمایند.

<sup>۱</sup> مصاحبه با مدیر اداره تعاون بابلسر

جدول ۲. تعاونی‌های فعال و غیرفعال در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۹۲

نوع فعالیت	۱۳۸۲				۱۳۹۲			
	تعاونی فعال	تعاونی غیرفعال	کل تعاونی فعال و غیرفعال	نسبت تعاونی غیرفعال به کل	تعاونی فعال	تعاونی غیرفعال	کل تعاونی فعال و غیرفعال	نسبت تعاونی غیرفعال به کل
صنعت	۴۰۲۶	۳۲۱۶	۷۲۴۲	۴۴,۴	۱۷,۳۸۴	۱۷,۳۱۹	۳۴,۷۰۳	۴۹,۹
معدن	۸۶۴	۶۶۸	۱۵۳۲	۴۳,۶	۱,۲۲۰	۱,۳۹۳	۲,۶۱۳	۵۳,۳
کشاورزی	۷۹۶۰	۳۰۵۴	۱۱۰۱۴	۲۷,۷	۲۴,۱۸۸	۲۰,۹۸۹	۴۵,۱۷۷	۴۶,۵
قالی‌بافی	۵۵۳	۴۴۰	۹۹۳	۴۴,۳	۱,۶۸۸	۱,۷۱۱	۳,۳۹۹	۵۰,۳
ساختمانی	۴۳۰	۱۲۲۴	۱۶۵۴	۷۴	۱۳,۱۹۵	۱۵,۲۹۷	۲۸,۴۹۲	۵۳,۷
خدماتی	۶۰۱۳	۱۹۰۴	۷۹۱۷	۲۴	۴۰,۵۷۵	۳۴,۷۵۲	۷۵,۳۲۷	۴۶,۱
کل	۱۹۸۴۶	۱۰۵۰۶	۳۰۳۵۲	۳۴,۶	۹۸,۲۵۰	۹۱,۴۶۱	۱۸۹,۷۱۱	۴۸,۲

ماخذ: وزارت تعاون، رفاه و تامین اجتماعی، ۱۳۹۴.

وزارت تعاون اعلام نموده که بخش تعاون طی سال‌های ۸۱-۱۳۵۹ حدود ۸۰۰ هزار فرصت شغل ایجاد کرده؛ این رقم در سال ۱۳۹۲ به بیش از ۱,۱ میلیون شغل رسیده است (جدول ۳). ولی در پذیرش آمارهای رسمی مربوط به اشتغال‌زایی بخش تعاون باید احتیاط کرد؛ زیرا تعاونی‌ها در زمان ثبت شمار نیروی کار پیش‌بینی‌شده‌ی خود را اعلام می‌کنند. اشتغال پیش‌بینی شده توسط این تعاونی‌ها در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به عنوان فرصت‌های شغلی ایجاد شده اعلام می‌گردد در صورتی که شمار

کارکنان تعاونی‌ها عموماً بسیار کمتر از داده‌های رسمی است؛ به علاوه با توجه به داده‌های رسمی در سال ۱۳۸۲ معادل ۳۱ درصد و در سال ۱۳۹۲ حدود ۴۰ درصد از فرصت‌های شغلی ذکر شده در تعاونی‌های غیر فعال محو شده است.

جدول ۳. اشتغال در تعاونی‌های فعال و غیرفعال در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۹۲

نوع فعالیت	۱۳۸۲		۱۳۹۲	
	تعاونی فعال	تعاونی غیر فعال	کل تعاونی فعال و غیر فعال	نسبت تعاونی غیر فعال به کل
صنعت	۹۹۷۵۳	۵۸۳۱۸	۱۵۸۰۷۱	۳۶,۹
معادن	۱۹۹۴۲	۹۰۰۵	۲۸۹۴۷	۳۱,۱
کشاورزی	۱۴۵۳۸۰	۴۹۹۹۶	۱۹۵۳۷۶	۲۵,۶
قالی بافی	۱۲۰۲۳۷	۸۰۲۳۶	۲۰۰۴۷۳	۴۰
ساختمانی	۱۰۶۵۳	۱۲۹۴۲	۲۳۵۹۵	۵۴,۹
خدماتی	۱۴۹۰۷۵	۳۴۰۵۳	۱۸۳۱۲۸	۱۸,۶
کل	۵۴۵۰۴۰	۲۴۴۵۵۰	۷۸۹۵۹۰	۳۱

ماخذ: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۴.

#### ۴، ۱. تعاونی‌های زنان

تعاونی‌های زنان تعاونی‌هایی هستند که بیش از ۷۰ درصد اعضای آن‌ها را زنان تشکیل می‌دهند. حمایت از شکل‌گیری تعاونی‌های زنان، از سال ۱۳۷۶ جهت مبارزه با بیکاری زنان تحصیل‌کرده آغاز شد. از سال ۱۳۷۹ اقدامات حمایتی مختلفی با هدف بالا بردن مشارکت زنان در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی به اجرا گذاشته شد که در میان آن‌ها افزایش اعتبار برای اعطای وام به تعاونی‌های زنان بسیار حائز اهمیت بود. این تعاونی‌ها از داشتن سرمایه اولیه جهت شروع کسب و کار معاف شدند و برای دریافت وام در اولویت قرار گرفتند (وزارت تعاون الف، ۱۳۸۴).

در سال ۱۳۸۵، در مجموع ۸۸۵۸۵ تعاونی وجود داشته که ۱۵ درصد از این تعاونی‌ها (۱۳۵۵۹ شرکت تعاونی) مربوط به زنان بوده است. این تعاونی‌ها عمدتاً در زمینه‌ی صنایع دستی و پوشاک فعالیت دارند که ویژگی آن‌ها نیاز به سرمایه اندک و تکنولوژی ساده است. برای تولید لباس و صنایع دستی زنان نیازی به اجاره‌ی کارگاه ندارند و می‌توانند در منزل خود کار کنند. بیش از ۵۰ درصد تعاونی‌های زنان را تعاونی‌های مصرف مدارس دخترانه تشکیل می‌دهند. ولی در سال‌های اخیر تعداد و نسبت تعاونی‌هایی که در بخش‌های خدماتی آموزشی مانند مدارس، مهدکودک و آموزشگاه‌های کامپیوتر فعالیت می‌کنند، افزایش یافته است (وزارت تعاون، ۱۳۸۷). اگرچه، بخش تعاون نقش اندکی در رشد تولید و اشتغال داشته است، ولی تعاونی‌های زنان در مقایسه با تعاونی‌های دیگر عملکرد ناموفق‌تری داشته‌اند. برای ترسیم تصویر واضح‌تری از عملکرد این شرکت‌ها، تعاونی‌های زنان استان مازندران مورد مطالعه قرار گرفته است.

#### ۴، ۲. تعاونی‌های زنان در استان مازندران

از سال ۱۳۷۶ اداره تعاون استان مازندران تعاونی‌های بسیاری را برای دریافت تسهیلات به بانک‌های استان معرفی کرده است. جدول ۴ نوسان تعداد تعاونی‌های جدید را طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷ در استان مازندران را نشان می‌دهد. با افزایش قیمت نفت طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۶ و اختصاص اعتبارات گسترده به تعاونی‌ها، تعاونی‌های جدید رشد قابل توجهی پیدا کردند. از سال ۱۳۸۶ به دلیل اجرای سیاست‌های اعتباری انقباضی از سوی بانک مرکزی ایران، شمار تعاونی‌های تازه تاسیس به شدت سقوط کرد، ولی شدت کاهش تعداد تعاونی‌های زنان تازه تاسیس بسیار بیشتر از دیگر تعاونی‌ها بود؛

به نحوی که نسبت تعاونی‌های زنان به کل تعاونی‌های استان مازندران از ۱۲,۶ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۸,۴ درصد در سال ۱۳۸۷ رسید.

جدول ۴. تعاونی‌های تازه تاسیس در استان مازندران (۸۷-۱۳۸۰)

رشد ۱۳۸۵-۸۷	رشد ۱۳۸۰-۸۵	۱۳۸۷	۱۳۸۵	۱۳۸۰	
-۱۷,۳	۸۹,۳	۹۳۳	۱۱۲۸	۵۹۵	کل تعاونی‌ها
-۳۹,۱	۷۰,۷	۷۸	۱۲۸	۷۵	تعاونی‌های زنان
-۲۶,۳	-۹,۸	۸,۳۶	۱۱,۳۵	۱۲,۵۸	سهم تعاونی‌های زنان در کل تعاونی‌ها

ماخذ: اداره‌ی تعاون استان مازندران ۱۳۸۸.

در سال ۱۳۸۲، ۵۰۳ تعاونی زنان در استان مازندران به ثبت رسیده بود که یک چهارم آنها رسماً فعال و ۴۱ درصد غیر فعال و ۳۴ درصد بقیه وام دریافت کرده و در حال تجهیز کارگاه بوده‌اند (وزارت تعاون، ۱۳۸۷). تعاونی‌های در هنگام تجهیز کارگاه از پرداخت اقساط وام معاف هستند و با زیر پرداخت وام‌ها را بعد از ۶ ماه تا یک سال پس از دریافت وام شروع می‌کنند. با شروع بازپرداخت وام این تعاونی‌ها رسماً فعال نامیده می‌شوند. اما دلیلی در دست نیست که تعاونی‌هایی که بازپرداخت وام را آغاز کرده‌اند در عمل فعال باشند. همان‌طور که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود، در سال ۱۳۸۲ نزدیک به ۶۲ درصد از تعاونی‌های زنان استان مازندران غیر فعال بوده‌اند؛ این نرخ برای کل تعاونی‌های استان ۵۳/۸ درصد بوده است. به عبارت دیگر نسبت نمونه‌های ناموفق در بین تعاونی‌های زنان از دیگر تعاونی‌های استان مازندران بیشتر بوده است. حدود ۶۱ درصد از تعاونی‌های زنان در بخش پوشاک فعالیت داشته‌اند که ۷۵,۲ درصد از این تعاونی‌ها در سال ۱۳۸۲ غیر فعال بوده‌اند. به نظر می‌رسد که به ثبت رساندن یک تعاونی تولید پوشاک با معرفی ۷ عضو زن دشوار نبوده است. بسیاری از زنان عضو این تعاونی‌ها وام دریافتی را احتمالاً برای حل مشکلات مالی خانواده به مصرف رسانده‌اند و در واقع فعالیت جدیدی را آغاز نکرده‌اند یا پس از مدتی غیرفعال بودن عملاً منحل شده‌اند. آمار مربوط به تعاونی‌های فعال و غیرفعال در استان مازندران در سال ۱۳۹۲ نیز وضعیت مشابهی را نشان می‌دهد. برای بدست آوردن تصویری شفاف‌تر از عملکرد تعاونی‌های زنان، مطالعه میدانی در استان مازندران انجام شده است.

جدول ۵. تعاونی‌های زنان در استان مازندران سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۹۲

۱۳۹۲				۱۳۸۲				نوع فعالیت
سهام تعاونی غیرفعال در کل تعاونی‌ها	کل تعاونی فعال و غیرفعال	غیرفعال	فعال	سهام تعاونی‌های غیرفعال در کل تعاونی‌ها	کل تعاونی فعال و غیرفعال	غیرفعال	فعال	
۴۵,۰	۱۸۹	۸۵	۱۰۴	۱۶,۷	۱۲	۲	۱۰	کشاورزی
۷۵,۴	۴۶۴	۳۵۰	۱۱۴	۷۶,۴	۱۹۹	۱۵۲	۴۷	صنعت
۶۹,۲	۵۲	۳۶	۱۶	۴۵,۰	۲۰	۹	۱۱	صنایع دستی
۵۷,۹	۷۶	۴۴	۳۲	۵۴,۸	۳۱	۱۷	۱۴	فروش
۴۰,۹	۴۷۲	۱۹۳	۲۷۹	۳۶,۵	۸۵	۳۱	۵۴	سایر
۵۶,۵	۱۲۵۳	۷۰۸	۵۴۵	۶۱,۸	۳۲۷	۲۰۲	۱۲۵	کل

ماخذ: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ۱۳۹۴.

### ۵. نتایج کار میدانی

برای تحقیق در مورد عملکرد تعاونی‌های زنان استان مازندران لیست تعاونی‌ها از اداره‌ی تعاون استان دریافت شد. پرسشنامه‌ای طراحی شد که سؤالات اصلی آن در ارتباط با تولید و اشتغال تعاونی‌ها طراحی شده بود. برای تکمیل پرسشنامه‌ها با اعضای تعاونی‌ها مصاحبه به عمل آمد. به علاوه با مسئولین ادارات تعاون در شهرهای مختلف استان در خصوص نقاط قوت و ضعف تعاونی‌ها گفتگو شد. هدف اولیه‌ی تحقیق شناسایی تعاونی‌های

موفق و ناموفق در فعالیت‌های مختلف اقتصادی و تعیین میزان تاثیر ویژگی‌های اعضای تعاونی‌ها همچون سن، تحصیلات و وضعیت تأهل در موفقیت یا عدم موفقیت آن‌ها بود. گروهی از دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه مازندران در بازدید از تعاونی‌ها و انجام مصاحبه با اعضای آنها برای پر کردن پرسشنامه در این طرح همکاری داشتند.

در ابتدا قرار بود تمامی ۱۲۵ تعاونی زنان فعال استان مورد مطالعه قرار گیرند، ولی در عمل از ۷۴ تعاونی (۶۰ درصد کل تعاونی‌های فعال استان) بازدید شد و در آن‌ها پرسشنامه‌های مربوطه تکمیل گردید. اما در حقیقت بیش از ۸۰ درصد تعاونی‌های زنان در ۹ شهر استان (ساری، آمل، بابل، بابلسر، بهشهر، تنکابن، فریدون‌کنار، گلوگاه و نوشهر) در پوشش این تحقیق قرار گرفت. ۴۰ درصد از تعاونی‌های فعال معرفی شده در لیست، در عمل وجود خارجی نداشتند. در بسیاری از موارد آدرس‌های ثبت‌شده تعاونی‌ها اشتباه بود. در چندین مورد شرکت فعالی در آدرس ذکر شده وجود نداشت. بعضی از تعاونی‌ها هرگز کاری را شروع نکرده و برخی از آنها کار را بعد از مدتی متوقف کرده بودند. از آنجا که مسئولین وزارت تعاون ارتباط منظمی با تعاونی‌ها ندارند، لیست شرکت‌های تعاونی فعال و غیرفعال بطور منظم تعدیل نمی‌شود.

#### ۵، ۱. ساختار سنی و سطح تحصیلات اعضای تعاونی‌های نمونه

زنان با تحصیلات متوسط بالاترین سهم (۵۲ درصد) را در نمونه‌ی مورد مطالعه تشکیل می‌دادند. حدود ۹ درصد از زنان جامعه نمونه، دارای تحصیلات ابتدایی و ۳۹ درصد دارای تحصیلات و مدارک دانشگاهی بودند. ۸۲ درصد از پاسخ‌دهندگان ازدواج کرده و بین ۳۰ تا ۵۰ سال سن داشتند. زنان جوان (۳۰-۲۰ ساله) ۶،۵ درصد از پاسخ‌دهندگان را به خود اختصاص داده بودند. فقط پنج درصد از زنان مجرد بودند یا کمتر از ۳۰ سال سن داشتند. همه زنان جوان زیر ۳۰ سال دارای مدرک دانشگاهی بودند که عمدتاً در بخش آموزش و مربیگری کامپیوتر کار می‌کردند. نتایج مطالعه میدانی، مطالعات قبلی (غلامی ۱۳۸۰، ذاکری و خلیلی ۱۳۸۲) را مورد تاکید قرار می‌دهد که خانواده‌های سنتی عمدتاً از فرزندان پسر برای شروع کسب و کار حمایت می‌کنند. علاوه بر این زنان جوان در خانواده‌های سنتی آزادی عمل چندانی ندارند و برای شرکت در بسیاری از اماکن عمومی محدودیت دارند و به همین دلیل شانس کمتری برای ایجاد یک شرکت جدید دارند.

## ۵، ۲. تمرکز در فعالیتهای محدود اقتصادی

حدود ۵۰ درصد از تعاونی‌های نمونه در بخش پوشاک و صنایع دستی و بقیه عمدتاً در زمینه‌هایی چون کشاورزی، کودکستان و مربیگری فعالیت داشته‌اند که جزو فعالیتهای سنتی زنان محسوب می‌شود و عموماً به سرمایه‌ی زیادی نیاز ندارد. تعاونی‌های تولید فرش و صنایع دستی غالباً کارگاهی ندارند و محصولاتشان را در خانه تولید می‌کنند. با توجه به اینکه نرخ بهره اعتبارات اعطایی به تعاونی‌های کشاورزی کمتر از دیگر تعاونی‌ها بوده، تعداد تعاونی‌های زنان فعال در بخش کشاورزی در اوایل دهه‌ی ۱۳۸۰ به سرعت افزایش یافت. برای ثبت تعاونی‌های کشاورزی اعضا باید مالک زمین زراعی باشند و یا سند رسمی اجاره ارائه دهند که نشان دهد زمین به مدت ۵ سال اجاره شده است. زنان جوان و دارای تحصیلات عالی عموماً قادر به تشکیل تعاونی‌های کشاورزی نیستند زیرا عموماً زمینی در اختیار ندارند تا بتوانند دانش کشاورزی مدرن خود را در آن بکار گیرند. در واقع در بسیاری از تعاونی‌های کشاورزی زنان، مردان صاحب زمین هستند و فعالیت‌ها را کنترل می‌کنند. آن‌ها از زنان خویشاوند جهت ثبت رسمی تعاونی‌ها و استفاده از تسهیلات و دسترسی آسانتر به حمایت‌های دولت و اعتبارات استفاده می‌کنند. همان‌گونه که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود، در سال ۱۳۹۲، ۴۵ درصد از تعاونی‌های زنان در بخش کشاورزی استان مازندران غیرفعال بوده‌اند.

## ۵، ۳. وضعیت اشتغال

تعاونی‌های زنان نمونه غالباً شرکت‌های کوچک با کم‌تر از ۱۰ نفر کارکن بوده‌اند. حدود ۳۴ درصد از این تعاونی‌ها (۲۵ شرکت) بطور رسمی بیش از ۱۰ کارگر داشته‌اند ولی در واقع شمار شاغلین آن‌ها بسیار کمتر از تعداد اعلام شده است. در اکثر تعاونی‌های زنان، تعداد کارگران و ساعت کار متغیر و انعطاف‌پذیر است و بر اساس تقاضای بازار تعیین می‌شود. نیروی کار شاغل در تعاونی‌ها عموماً کارگران پاره‌وقتی هستند که از امنیت شغلی محروم می‌باشند. بخش بزرگی از شاغلین در تعاونی‌های فرش، صنایع دستی و پوشاک در خانه کار می‌کنند و دستمزدی کمتر از حداقل رسمی دریافت می‌کنند. در حالی که بر اساس قانون کار ایران، همه شرکت‌ها موظفند حداقل دستمزد رسمی را به نیروی کار بپردازند و همه‌ی کارکنان را بیمه کنند، ۴۸ درصد کارگران تعاونی‌های نمونه، تحت پوشش بیمه نبودند. بخش اعظم شاغلین تعاونی‌های زنان مشابه کارکنان



اکثر شرکت‌های خصوصی کوچک با مشکل مشاغل موقت و پاره وقت، دستمزد پایین و ناامنی شغلی و فقدان پوشش بیمه دست به گریبان هستند.

همانطور که در جدول ۶ ملاحظه می‌شود، بر اساس آمار اداره‌ی تعاون استان مازندران، ۷۴ تعاونی زنان رسماً ملزم به ایجاد ۸۷۱ فرصت شغلی (بطور متوسط ۱۲ نیروی کار برای هر تعاونی) بوده‌اند. هرچند تعیین میزان اشتغال واقعی در تعاونی‌های نمونه امکان پذیر نبوده، چرا که طبق بازدیدهای بعمل آمده اکثر تولیدات تعاونی‌ها در خانه‌ها انجام می‌شده است؛ ولی در واقع تعداد شاغلین تعاونی‌های نمونه، بسیار پایین‌تر از آمار رسمی بوده است. به عنوان مثال، بر اساس داده‌های رسمی تعداد شاغلین تعاونی‌های فعال زنان در صنایع دستی ۱۴۶ نفر بوده است؛ اما بسیاری از کارکنان این تعاونی‌ها (تعداد و نسبت روشن نیست) پیش از تاسیس تعاونی نیز در خانه‌های خود کار می‌کرده‌اند و پس از تاسیس تعاونی به کار سابق خود ادامه می‌دهند. شرکت تولید فرآورده‌های غذایی مثال دیگری از عدم انطباق آمارهای رسمی و واقعی اشتغال در تعاونی‌های زنان است. این شرکت که در سال ۱۳۷۳ تاسیس شده دارای ۴۰ کارکن است. در سال ۱۳۷۸ مالک این شرکت با معرفی همسر و برخی دیگر از خویشاوندان زن، کارخانه را به صورت تعاونی زنان به ثبت رسانده تا از مزایای دسترسی به وام بهره‌مند شود. بدین ترتیب تعاونی جدیدی به ثبت رسیده ولی شغل جدیدی به وجود نیامده است.

جدول ۶. اشتغال در تعاونی‌های زنان نمونه

نوع فعالیت	تعداد تعاونی‌ها	شمار شاغلین	متوسط اشتغال در هر تعاونی
قالی‌بافی	۹	۱۲۵	۱۳,۹
پوشاک	۱۶	۱۴۷	۹,۲
صنایع دستی	۱۱	۲۴۹	۲۲,۶
صنعت	۶	۹۵	۱۵,۸
کشاورزی	۸	۴۵	۵,۶
آموزشگاه رانندگی و کامپیوتر	۱۱	۶۶	۶
مدرسه و مهدکودک	۴	۷۸	۱۹,۵
سایر فعالیت‌ها	۹	۶۶	۷,۳
جمع	۷۴	۸۷۱	۱۱,۸

ماخذ: استخراج شده از پرسش‌نامه‌های پژوهش

#### ۵، ۴. مدیریت و کنترل مردان در تعاونی‌های زنان

در استان مازندران به مانند دیگر مناطق کشور، مدیریت فعالیت‌های اقتصادی در اکثر موارد در دست مردان است. به همین دلیل در بسیاری از تعاونی‌های زنان نیز مردان با عضویت صوری زنان خویشاوند تعاونی‌هایی را به ثبت رسانده‌اند تا از وام و امتیازات دیگر بهره‌مند شوند. ۲۵ درصد از تعاونی‌های زنان نمونه مورد مطالعه به وضوح توسط مردان اداره می‌شده است که بهره‌برداران واقعی از وام‌ها بوده‌اند. به عنوان مثال، مالک یک کارگاه تولید پوشاک، در سال ۱۳۸۰ شرکت خود را به نام تعاونی زنان به ثبت رساند و ۱۱ کارگر زن این کارگاه اعضای این تعاونی تازه تاسیس را تشکیل دادند. وام نسبتاً خوبی نیز دریافت شد که تماماً تحت کنترل صاحب کارگاه قرار گرفت. در چنین مواردی مالکان اصلی شرکت‌های تعاونی اسناد قانونی را به نحوی تنظیم می‌کنند که حق مالکیت انحصاری خود را حفظ کنند و از اعضا نامه‌ی رسمی دریافت می‌نمایند که تأیید می‌کند هیچ‌گونه سهمی در دارایی‌های شرکت ندارند. به عنوان نمونه‌ای دیگر، در یک تعاونی زنان که فعالیت بسته بندی مواد غذایی انجام می‌دهد، مرد صاحب کارگاه تعاونی را با معرفی خویشاوندان زن به عنوان اعضای تعاونی به ثبت رسانده و از امتیازات وام استفاده کرده است. در حالی که ۱۵ کارگر پاره وقت زن با دستمزد پایین و بدون بیمه تامین اجتماعی در این کارگاه اشتغال داشته‌اند.

در مورد دیگر، خانواده‌ای با تاسیس تعاونی زنان در بخش تولید روکش لباس، در عمل وام دریافتی را در اختیار داماد خانواده قرار داده بود. این تعاونی با ظرفیتی بسیار پائین و ۲ کارگر پاره وقت زن، عملاً فعالیت اقتصادی سودآوری نداشت و در واقع نقش واسطه‌ای را ایفا می‌کرد که هزینه‌های دریافت وام را برای دیگری کاهش می‌دهد.

#### ۵، ۵. نمونه‌های موفق

موفق‌ترین نمونه‌های تعاونی‌های زنان معمولاً شرکت‌های خصوصی بودند که بیش از ۲۰ سال از تاسیس آن‌ها می‌گذشت. این بنگاه‌ها با وجود رقابت سخت و خشن و مشکلات بازاریابی توانسته بودند به کار خویش ادامه دهند. به عنوان مثال، یک تعاونی صنایع دستی که فعالیتش را در سال ۱۳۶۵ شروع کرده بود توسط زن ۴۵ ساله‌ای اداره می‌شد که از میزان سود شرکت رضایت داشت. این تعاونی ۱۵ کارگر نیمه وقت داشت و اکثر آنها در منزل گل مصنوعی درست می‌کردند. فعالیت یکی دیگر از این تعاونی‌ها که بیش

از ۲۰ سال سابقه‌ی کار داشت، طراحی و دوخت پرده بود. ۳ کارگر در این شرکت به کار اشتغال داشتند. مورد دیگر شرکتی بود که در سال ۱۳۵۹ تاسیس شده بود و روتختی تولید می‌کرد. مدیر این شرکت زنی ۵۱ ساله بود که از پائین بودن سود شرکت شکایت داشت. پنج کارگر تمام وقت در این تعاونی شاغل بودند. همه این مدیران زنان متاهل با تحصیلات حدود دیپلم بودند. این شرکت‌های خصوصی نیز پس از سال‌ها فعالیت به عنوان تعاونی‌های زنان به ثبت رسیده بودند تا بتوانند از حمایت‌های مالی دولت بهره ببرند.

تعاونی‌های خدماتی زنان از قبیل آموزشگاه‌های رانندگی، مدارس، مهد کودک‌ها و دبیرستان‌ها از دیگر تعاونی‌هایی هستند که در سال‌های اخیر فعالیت‌های موفق داشته‌اند. بر اساس مقررات اسلامی، زنان در دبیرستان‌ها و آموزشگاه‌ها باید تحت آموزش معلمان زن قرار گیرند و همین امر موجب شکل‌گیری تعاونی‌های زنان در این رشته از فعالیت‌ها شده است. برای مثال دبیرستان دخترانه ای در سال ۱۳۷۸ به صورت تعاونی زنان تاسیس شد و مدیریت آن را زن متاهل ۵۲ ساله‌ای بر عهده گرفت که مدرک لیسانس داشت و ۲۰ دبیر با تحصیلات دانشگاهی در این دبیرستان مشغول به کار بودند. در سال ۱۳۸۱ یک تعاونی زنان آموزش رانندگی تاسیس شد. که ۷ مربی زن داشت.

نمونه‌ی دیگری از تعاونی‌های زنان موفق مرکز آموزش کامپیوتر است که در سال ۱۳۷۶ تاسیس شده و ۷ مربی دارد. مدیر این مرکز زنی جوان و مجرد است. این‌گونه خدمات برای تامین تجهیزات مورد نیاز و مکان مناسب برای تشکیل کلاس‌ها به سرمایه‌ی قابل توجهی نیازمندند. اکثر زنان عضو در این تعاونی‌ها تحصیلات دانشگاهی دارند. تقریباً تمامی مصاحبه‌شوندگان در تعاونی‌های موفق اظهار داشتند که تعاونی‌هایشان فعال هستند و تاکید کردند که گرایش به کسب استقلال مالی انگیزه‌ی مهمی برای شروع کار آن‌ها بوده است. این شرکت‌ها پس از ثبت به شکل تعاونی وام‌هایی دریافت کرده‌اند که در غلبه بر مشکلات مالی شان نقش مؤثری داشته است. یافته‌های این تحقیق نتایج مطالعه‌ی یعقوبی (۱۳۸۵) در استان زنجان را مورد تأیید قرار می‌دهد که زنانی که پیش از دریافت وام فعالیت اقتصادی را آغاز کرده بوده‌اند، توانسته‌اند از وام‌ها برای گسترش فعالیت خویش استفاده کنند، در حالی که اکثر زنان دریافت‌کننده‌ی وام قادر به شروع فعالیت جدیدی نبوده‌اند.

## ۵، ۶. عملکرد ادارات تعاون در شهرستان‌ها

مهمترین هدف وزارت تعاون از اعمال سیاست حمایت مالی از تعاونی‌ها، افزایش فرصت‌های شغلی جدید است، ولی ادارات تعاون در شهرستان‌ها بر افزایش تعداد تعاونی‌های تازه تاسیس و بالا رفتن آمار رسمی اشتغال در تعاونی‌ها تاکید دارند. همه‌ساله وزارت تعاون آمار رسمی تعداد تعاونی‌ها و فرصت‌های شغلی ایجاد شده توسط آن‌ها را منتشر می‌کند تا میزان موفقیت حاصل از عملکرد خود را نشان دهد. بنابراین مهم‌ترین وظیفه‌ی ادارات تعاون شهرستان‌ها تشویق مردم جهت تشکیل تعاونی‌ها و در نهایت ایجاد داده‌های رسمی مطلوب است. به عنوان مثال در سال ۱۳۸۱ اداره تعاون استان مازندران از مرکز کارایی خواست تا جویندگان کار را برای ایجاد تعاونی با حداقل ۷ عضو معرفی کنند. در این سال هر تعاونی تازه تاسیس می‌توانست حداقل ۲۱۰ میلیون ریال (هر یک عضو ۳۰ میلیون ریال) وام دولتی دریافت کند. با توجه به این‌که افراد بیکار جویای کار عموماً شناختی از هم ندارند و ایجاد انگیزه برای فعالیت مشترک در آن‌ها بسیار دشوار است، بسیاری از تعاونی‌های ثبت شده از افراد جویای کار، پس از دریافت وام به سرعت منحل شدند.

مورد دیگر تشویق تولیدکنندگان صنایع دستی به تاسیس تعاونی است. کارکنان اداره‌ی تعاون استان مازندران بسیاری از تولیدکنندگان سنتی صنایع دستی را ترغیب کردند که فعالیت خود را به صورت تعاونی به ثبت رسانند تا بتوانند از وام‌های ارزان بهره‌مند شوند. کارکنان ادارات تعاون نظارت جدی بر نحوه‌ی استفاده از وام‌های دریافتی نداشتند و حتی زمانی که مطلع می‌شدند وام پرداخت شده در جهت گسترش فعالیت تعاونی مصرف نشده، اعتراضی نمی‌کردند. از افزایش شمار تعاونی‌ها خوشنودند و اعلام می‌کنند که با تاسیس شرکت‌های تعاونی، که در واقع تغییر اسم شرکت‌های خصوصی است، فرصت‌های شغلی جدیدی ایجاد شده است.

اداره تعاون بطور کلی، در مورد سطح واقعی اشتغال و میزان تولید در تعاونی‌ها دقت و نظارت چندانی ندارد. نظارت غیر مؤثر این ادارات، امتیازهای منحصر به فرد و ویژه‌ی را برای گروهی از خویشاوند و دوستان نزدیک مقامات دولتی فراهم آورده که می‌توانند از اعتبارات ارزان استفاده کنند. بعنوان مثال یک تعاونی صنایع دستی کوچک در سال ۱۳۸۱، ۱۰۰ میلیون ریال وام دریافت کرده بود و دو سال بعد، در سال ۱۳۸۳، به بهانه‌ی گسترش تجهیزات تولیدی، مجدداً وامی به ارزش ۱۵۰ میلیون ریال درخواست

کرده بود. مدیر این شرکت تعاونی، به رغم مخالفت کارشناسان اداره‌ی تعاون در شهرستان، با استفاده از ارتباطاتی که با مقامات رده بالا داشت، سرانجام وام را دریافت کرد. یک تعاونی دیگر صنایع دستی وامی در حدود ۳۰۰ میلیون ریال جهت تامین مالی تجهیزات جدید و ماشینی کردن تولید دریافت کرد، اما این پول را جهت خرید زمین استفاده کرد. در صورتی که کارگاه تولید صنایع دستی همچنان کثیف و غیر مجهز با چند کارگر غیر رسمی باقی ماند. مقامات اداره تعاون، به رغم آگاهی از نحوه‌ی مصرف وام، به مدیر واحد اعتراضی نکردند. آن‌ها به همین حد قانع بودند که مدیر واحد توان بازپرداخت وام را دارد.

بسیاری از مقامات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اصرار داشتند که دولت باید به اعطای کمک‌های ویژه به تعاونی‌ها پایان دهد و نسبت به تعاونی‌ها مشابه دیگر شرکت‌های خصوصی رفتار نماید (محسنی، ۱۳۸۴). با این حال، هم چنان سیاست‌گذارانی وجود دارند که بر اثر بخشی فعالیت بخش تعاون در افزایش رشد اقتصادی، اشتغال و عدالت اجتماعی تاکید می‌ورزند و برای اثبات نظر خویش به آمارها و داده‌های منتشره از سوی وزارت تعاون استناد می‌کنند.

## ۶. نتیجه‌گیری

در سال‌های دهه ی ۱۹۸۰ اعطای وام برای ارتقاء سطح اشتغال و توانمندسازی زنان مورد تاکید قرار گرفت. انتظار می‌رفت که پرداخت وام به زنان به افزایش سطح رفاه و ارتقاء موقعیت آنان در خانواده و جامعه منجر شود. ولی در طول زمان مطالعات تجربی بسیاری نشان دادند که هر چند تامین منابع مالی تاثیر قابل توجهی در موفقیت زنان کارآفرین دارد؛ ولی در بسیاری از موارد نحوه‌ی استفاده از وام‌های اعطایی به زنان در کنترل خود آنان نیست.

تعاونی‌های زنان یکی از اشکال حمایت از اشتغال زنان در بسیاری از کشورها بوده است. در طول ۴ دهه گذشته زنان ایرانی بطور فزاینده ای وارد بازار کار شده‌اند؛ اما با توجه به محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی، نرخ بیکاری در میان زنان همواره بیش از مردان بوده است. از سال ۱۳۷۶ اعطای اعتبارات ارزان به تعاونی‌های زنان یکی از یکی از مهمترین ابزارهای حمایت از اشتغال زنان بوده است. دولت تسهیلات اعتباری خود را بطور سخاوتمندانه در اختیار تعاونی‌ها قرار داده است؛ در حالی که بسیاری از

شرکت‌های کوچک به بازار رسمی سرمایه دسترسی ندارند و مجبورند مشکل کمبود نقدینگی را با پذیرش نرخ‌های بالای بهره حل کنند.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که شمار کثیری از تعاونی‌های زنان در استان مازندران که وام دریافت کرده‌اند، بطور صوری فعال هستند و عملاً وجود خارجی ندارند. برخی از این تعاونی‌ها وام دریافتی را میان اعضا تقسیم می‌کنند و هیچ کسب و کاری را آغاز نمی‌کنند.

تعاونی‌های فعال زنان عموماً شرکت‌های خصوصی کوچکی هستند که در تولید صنایع دستی و پوشاک، فعالیت‌هایی که به سرمایه‌ی عظیمی نیاز ندارند، متمرکز شده‌اند. تولید محصولات این تعاونی‌ها غالباً در خانه‌های کارگران پاره وقتی انجام می‌شود که مزدی اندک دریافت می‌کنند و از هرگونه بیمه اجتماعی محروم می‌باشند. اکثر زنان نمونه در این تحقیق متأهل و دارای تحصیلات متوسطه بوده و در حدود ۴۰ سال سن داشته‌اند. نتایج حاصل از این تحقیق یافته‌های مطالعات قبلی را تأیید می‌کند که خانواده‌های سنتی از دختران مجرد جوان برای تاسیس شرکت‌های جدید حمایت نمی‌کنند. علاوه بر این، بسیاری از تعاونی‌های زنان توسط مدیران مرد اداره می‌شود که زنان خویشاوند خود را بعنوان اعضای تعاونی معرفی کرده‌اند. در چنین مواردی، زنان عضو تعاونی‌ها صرفاً بعنوان واسطه‌هایی برای دریافت وام دولتی عمل می‌کنند و عملاً هیچ کنترلی بر نحوه‌ی استفاده از وام ندارند. بنابراین اعطای وام با بهره پایین راه کار مناسبی برای حل مشکل اشتغال زنان و ارتقاء موقعیت آنان در جامعه و خانواده نیست؛ نشان می‌دهد که اعطای وام با بهره پایین راه کار مناسبی برای حل مشکل اشتغال زنان و بهبود موقعیت آنان در جامعه و خانواده نیست. بدون اجرای برنامه‌هایی در جهت تحولات همزمان فرهنگی و حقوقی در جهت ارتقاء وضعیت زنان، با اعطای وام جهت ایجاد تعاونی نمی‌توان زنان را توانمند ساخت. با وجود این تعمیم نتایج حاصل از پژوهش در عملکرد تعاونی‌های زنان استان مازندران به سایر نقاط کشور، پژوهش‌های بیشتری را می‌طلبد.

## منابع

- اداره‌ی تعاون استان مازندران (۱۳۸۸). تعاونی‌های ثبت نام شده در استان مازندران.
- بانک مرکزی ایران (۱۳۹۴). آمار و داده‌ها، [www.cbi.ir](http://www.cbi.ir).
- دیهیم، حمید و وهابی، معصومه (۱۳۸۲). "دسترسی زنان به اعتبارات بانکی"، پژوهش زنان، شماره ۷، ص ۶۱-۸۷.
- ذاکری، علی و خلیلی، هادی (۱۳۸۲). "برآورد تقاضای زنان برای اعتبارات بانکی"، پژوهش زنان، شماره ۶، ص ۱۳۵-۱۵۲.
- غلامی، منیر (۱۳۸۰). "موانع اشتغال رسمی زنان"، کنفرانس بررسی سیاست‌های اشتغال، دانشگاه آزاد، رودهن.
- محسنی، علیرضا (۱۳۸۴). "ارزیابی تعاونی‌های زنان در ایران"، برنامه و بودجه، شماره ۴، ص ۴۷-۸۱.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۴) سری زمانی بازار کار، مشاهده شده در: [www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir)
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۱). سالنامه آماری سال ۱۳۸۹، مشاهده شده در: [www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir)
- وزارت تعاون (۱۳۸۴). "پیش‌بینی عملکرد بخش تعاون در برنامه‌ی چهارم توسعه"، مشاهده شده در: <http://www.icm.gov.ir/lawlist-ayeenamehfa.html>
- وزارت تعاون (۱۳۸۴ الف). توسعه‌ی تعاونی‌های زنان.
- وزارت تعاون (۱۳۸۷). "آمار عملکرد تعاونی‌های کشور" مشاهده شده در: <http://www.icm.gov.ir>
- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۹۴). آمار عملکرد تعاونی‌های کشور، مشاهده شده در: <http://amar.mcls.gov.ir/default.aspx>
- یعقوبی، جعفر (۱۳۸۵). "آثار وام‌های خرد بر اشتغال زنان در مناطق روستایی استان زنجان"، پژوهش زنان، شماره ۳، ص ۱۲۵-۱۴۶.

- Armendariz, de A., Beatriz, M. & Jonathan M. (2005). *The Economics of Microfinance*, MIT Press, Cambridge, Massachusetts, London, England.
- Birchall, J. (1997). *The International Co-operative Movement*, Manchester University Press.
- Buvinic, M. Berger, M. & Jaramillo, S. (1989). *Impact of a Credit Project for Women and Men Micro-entrepreneurs in Quito, Ecuador*, in Berger, M & M. Buvinic, eds. *Women's Ventures*, Kumarian Press, West Hartford, US.
- Creevey, L.E., Koumakh, N. & Abdourahmane, T. (1995). *Evaluation of the Impacts of PRIDE/VITA, GEMINI*, Technical Report No. 94, Bethesda.
- Goetz, A.M. & Gupta, R.S. (1996). Who Takes the Credit? Gender, Power, and Control over Loan Use in Rural Credit Programs in Bangladesh, *World Development*, Vol.24, No.1, pp. 45-63.
- Gupta, V. (2011). Gender Stereotypes Could Push Women Away from Entrepreneurship, Available from: <http://www.physorg.com/news/2011-03-gender-stereotypes-women-entrepreneurship.html>
- Hulme, D. & Mosley, P. (1996). *Finance Against Poverty*, London: Routledge.
- Schuler, S.R. & Hashemi, S. M.(1994). Credit Programs, Women's Empowerment, and Contraceptive Use in Rural Bangladesh, *Studies in Family Planning*, Vol. 25, No. 2, pp. 65-76.
- Sebstad, J. & Chen, G.(1996). *Overview of Studies on the Impact of Microenterprise Credit*, AIMS, USAID, Washington.
- Todd, H. (1996). *Women at the Center: Grameen Bank Borrowers after one Decade*, Westview Press, Oxford.